

همسانی در نقش آفرینی اجتماعی مطابق حقوق بین‌الملل

رویا مرادی^۱، یداله ملکی*^۲ شیرمحمد علیپور عبدلی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

چکیده: اصل برابری در اسناد و اعلامیه‌های حقوق بین‌الملل، با توجه به موجودیت اجتماعی انسان، با تأکید بر لزوم رعایت حقوق مساوی افراد بر مبنای آزادی حق مشارکت در تعیین سرنوشت، رفع تبعیض و دستیابی به حقوق اجتماعی انسان را، صرف‌نظر از تفاوت‌ها مهم می‌داند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، با بهره‌گیری از منابع و متون مرتبط، موضوع همسانی نقش آفرینی اجتماعی افراد در جوامع مختلف را بدون تبعیض، از نگاه حقوق بین‌الملل بررسی نموده است. محور پژوهش طرح این سوال است: آیا انسان مطابق قابلیت‌های وجودیش در نقش آفرینی اجتماعی مختار است یا قومیت، ملیت، نژاد و... در این امر تأثیرگذارند؟ یا همسانی و مساوات در مشارکت اجتماعی متأثر از ملیت، نژاد، مذهب و... می‌باشد؟ بنابر نتایج پژوهش، مطابق مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقایسه تطبیقی، قومیت، ملیت، نژاد، رنگ پوست، جنسیت و مذهب نباید موجب تبعیض و عدم برخورداری از حقوق و مشارکت اجتماعی برابر در احاد جامعه شود.

کلمات کلیدی: همسانی، نقش آفرینی اجتماعی، حقوق بین‌الملل.

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران
rmo.2008@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.
ydt52120@gmail.com

^۳ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
tafsir.alipoor@gmail.com

مقدمه

انسان‌ها به عنوان مخلوقات خداوند، با بهره‌مندی از استعدادها و توانمندی‌های فطری، هیچ‌گونه برتری نسبت به یکدیگر ندارند و حیات اجتماعی خود را در پرتو تعامل و ارتباط، با آموختن شیوه‌های زندگی جمعی و کسب مهارت‌ها و تخصص‌های گوناگون، فارغ از تفاوت‌های قومی، زبانی، نژادی، جنسیتی، مذهبی و ... رونق می‌دهند؛ چراکه انسان موجودی اجتماعی است و به تنهایی قادر به ادامه حیات نخواهد بود، زیرا حیات او در گرو پیوند دو انسان دیگر است و توجهات آن دو به عنوان پدر و مادر موجب زنده ماندن و به ثمر نشستن وی می‌گردد. وابستگی انسان به دیگران، با آنها بودن و در کنار آنها زیستن، یعنی ارتباط و تعامل، ریشه در هویت و ماهیت ذاتی وی دارد. ارتباطات تار و پود اجتماعی بودن انسان را تشکیل می‌دهند و تعاملات نقش بنیادی و بنیانی برای هویت وجودی او دارند (نویدینیا، ۱۳۹۸). بنا بر وجود این تعاملات، همواره ممکن است خواست‌ها و امیال فردی انسان‌ها در تعارض و تزاخم با یکدیگر واقع شوند. اما بدیهی است که انسان‌ها نباید برای نیل به اهداف و رفع نیازهای شخصی، خودخواهانه افراد دیگر را وسیله قرار دهند، بلکه لازمه زندگی اجتماعی این است که انسان‌ها با هم و در کنار هم، به طور برابر به اهداف و آرزوهای خود دست پیدا کنند. بنابر این امر، حقوق در روابط افراد اهمیت ویژه پیدا می‌کند. در اجتماع همه افراد دارای حقوقی هستند که توسط حقوق دیگران محدود می‌گردد (نوری، ۱۳۹۰).

یعنی انسان برای دستیابی به آمال خود باید قواعدی را مطابق قراردادهای اجتماعی رعایت کند و تا حدودی از آزادی خود را با توجه به حقوق دیگران محدود نماید. این امر همان حقوق و تکالیف افراد جامعه در مقابل هم‌نوعان است. بدین معنی که فردی که خواهان به رسمیت شناختن حق مالکیت خود می‌باشد، می‌بایست به حق مالکیت سایرین نیز احترام بگذارد و برای حفظ امنیت خود در زندگی، حق نقض امنیت دیگران را ندارد. پس حق و تکلیف، در کنار هم معنا پیدا می‌کنند (نوری، ۱۳۹۰).

حال نکته قابل توجه این است که مطالب فوق در ارتباط با حقوق و مسئولیت‌های افراد در جامعه

داخلی مطرح می‌شود، اما در حقوق و تعهدات اشخاص حقیقی در جامعه بین‌المللی و حقوق بین الملل، تعامل افراد تنها با یک دیگر مطرح نمی‌شود، بلکه در کنار دیگر تابعان حقوق بین‌الملل مانند دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که از نظر ماهیت و برخی جهات دیگر با هم متفاوت هستند، مطرح می‌گردد. پس با حقوق افراد در عرصه داخلی متفاوت است، چراکه انسان‌ها برای تأمین سعادت و رفاه خود ناچار به همکاری و همگامی با یکدیگر هستند و در این جا است که برای تعریف خویش و ایفای نقش اجتماعی خود، به آموزش جهت کسب و بروز مهارت‌ها و قابلیت‌هایش پرداخته، این توانمندی‌ها و مهارت‌ها را به عنوان کیستی و چیستی خود مطرح می‌نمایند (نویدینا، 1398).

در جامعه بین‌الملل اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر همواره بر ضرورت حقوق یکسان افراد تأکید نموده‌اند. اصل برابری مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، شاهد اهمیت رفع تبعیض از جامعه انسانی و تأکید بر دستیابی به حقوق انسانی آنان، صرف‌نظر از تفاوت‌های نام‌برده بر اساس عزت، آزادی، برابری و حق مشارکت در تعیین سرنوشت می‌باشد و انسان‌ها می‌بایست تنها با تکیه بر استعدادهای ذاتی و درونی پرورش یافته خویش، ارتقا توانمندی‌ها و مهارت‌های اکتسابی خود، به دور از تبعیض‌های قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و ... با ملیت‌های مختلف، به‌طور مساوی، به مشارکت و نقش‌آفرینی اجتماعی و ایفای وظیفه خود در جامعه بپردازند.

از آن‌جا که دولت‌ها تابع منحصر به فرد حقوق بین‌الملل هستند، جوامع مدنی و اشخاص حقیقی به دلیل مواجهه با موانع زیاد در این عرصه، از سوی برخی صاحب‌نظران صرفاً تابع حقوق داخلی دانسته شده‌اند. با این حال در دوران اخیر نیز همچون گذشته به تناسب شرایط و اوضاع و احوال جامعه بین‌المللی، اشخاص حقیقی نیز در عرصه بین‌المللی حضور داشته‌اند و در نتیجه این حضور، موضوع حقوق بین‌الملل قرار گرفته‌اند و امروزه براساس حقوق بین‌الملل معاصر، تحول محسوسی در جهت شناخت نوعی شخصیت بین‌المللی برای "فرد" ایجاد شده است که نشان دهنده توجه خاص جامعه بین‌الملل به آزادی‌های فردی و حقوق بنیادین اوست.

از طرفی این سوال مطرح می‌شود که انسان برای مشارکت اجتماعی خود تنها در پرتو قابلیت‌ها و توانمندی‌های خویش در نقش‌آفرینی اجتماعی مختار است یا قومیت، ملیت، رنگ پوست نژاد، جنسیت و مذهب در این امر تأثیرگذارند؟ به عبارتی دیگر آیا در نقش‌آفرینی اجتماعی میان اقوام، نژادها و ملیت‌های مختلف، همسانی و مساوات وجود دارد؟ از آن‌جا که سیر تحول حقوق، مسئولیت

ها و نحوه نقش آفرینی‌های اجتماعی افراد در حقوق بین‌الملل بسیار مهم است، پرداختن به این امر زمینه‌ساز بررسی دقیق‌تر و کامل‌تر مسئولیت‌های اشخاص حقیقی و نحوه فعالیت‌های اجتماعی آنها در جامعه بین‌الملل می‌شود. بنابراین در این نوشتار سعی می‌شود، این موضوع از منظر حقوق بین‌الملل بررسی شود.

۲- مروری بر تحقیقات پیشین

پژوهش‌های گوناگونی به‌طور پراکنده مرتبط در زمینه موضوع پژوهش حاضر یعنی همسانی در نقش آفرینی اجتماعی مطابق حقوق بین‌الملل، انجام شده است که هر یک به قسمتی از مبحث مورد تحقیق پرداخته‌اند و هیچکدام موضوع مساوات در مشارکت اجتماعی را با توجه به تنوع اقلیت‌های قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و... در مباحث خود عنوان ننموده‌اند. اکثریت این پژوهش‌ها در زمینه برابری جنسیتی سخن به میان آورده‌اند، که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

طیبی (بی‌تا)، در پژوهش خود با عنوان "منطق آزادی و برابری با توجه به اسناد حقوق بشری"، آزادی بیان و برابری جنسیتی را به‌عنوان جلوه‌هایی از کرامت انسانی، مورد بررسی قرار داده است و می‌گوید آزادی و برابری بدون تقابل و تضاد، با ایجاد فرصت برابر در برخورداری از آزادی‌های اساسی و اقدامات رفاهی دولت در جهت ایجاد تساوی به سود اقشار ضعیف جامعه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر خواهد بود. نیک‌روش رستمی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با موضوع "حقوق اقلیت‌های قومی-مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر" با تکیه بر این اسناد، بیان کرده است، اقلیت‌های قومی و مذهبی، با وجود حقوق چندوجهی، قادر به حفظ هویت، موجودیت، مشارکت، ارتباط، فرهنگ و ارزش‌های خود هستند و دولت‌ها حق تعرض به آنان را ندارند، چراکه طبق اصل مشارکت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای همگان، اقلیت‌ها در صحنه‌های مختلف اجتماع اجازه فعالیت و کنش‌گری را خواهند داشت و با داشتن حق تعیین سرنوشت، اجازه مشارکت سیاسی و حتی ایجاد انجمن و حزب را هم دارند.

زمانی و آزادوین (۱۳۹۶)، در نتیجه تحقیقی با عنوان "مفهوم و جایگاه حق تأمین اجتماعی در اسناد بین‌المللی"، تساوی در حق برخورداری از تأمین اجتماعی را، به‌عنوان حقوق انسان‌ها مورد شناسایی و پذیرش جوامع ملی و بین‌المللی می‌داند که اجرای آن دولت‌ها را در برقراری امنیت و عدالت اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند و برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یک شاخص مناسب

محسوب می‌شود. آماروسان‌خوزه (۱۳۷۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان "مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر"، سعی دارد اثبات کند که تعهدات دولت‌ها در زمینه حقوق بشر، نه تنها از دسته تعهدات عام‌الشمول (Erga Omnes) به حساب می‌آید بلکه نقض آنها توسط هر دولتی باعث می‌شود سایر دول حق اعتراض و حتی اقدام را داشته باشند و تمامی دولت‌ها در برابر نقض قواعد مورد حمایت جمعی مسئولیت بین‌المللی دارند.

صداقت و زاهد (۱۳۹۴)، در مقاله "نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتابهای درسی دوره ابتدایی"، نتیجه گرفتند، نظام‌های آموزشی و تربیتی ایران به روش‌های مختلف نابرابری‌های جنسیتی را باز تولید می‌کنند که در این سیستم آموزشی، طبیعتاً پرورش زنان مدیر، خلاق و باجسارت امری بعید به نظر می‌رسد. مک کینسی (۲۰۱۸) در فرهنگ جامعه‌شناسی خود نتیجه گرفت تبعیض گسترده نسبت به زنان، هنوز هم در محیط‌های کاری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه وجود دارد که به صورت-های مختلف مانع حضور زنان در سطوح بالای قدرت و اثربخشی در سازمان‌ها می‌شود. کساسا (۲۰۱۵) در پژوهش "چالش‌ها و فرصت‌های مشارکت سیاسی زنان در اتیوپی" نیز معتقد است، ایده مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها تنها تقاضای دموکراسی ساده یا عدالت نیست؛ بلکه شرط لازم برای در نظر گرفتن منافع زنان در امور گوناگون است.

کلی (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان "موانع و توانمندی‌های مشارکت زنان در حاکمیت در نیجریه" به بررسی این موانع پرداخته، نتیجه گرفته است عوامل مختلفی همچون سطح پایین تحصیلات زنان، فقدان حمایت مؤثر حکومت از آنان، نگرش‌های جنسیتی، سیستم اداری فسادآمیز و خشونت علیه زنان به‌ویژه در هنگام کاندیداتوری مهم‌ترین عوامل بازدارنده مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف هستند. احمدی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله "تحلیل جامعه‌شناختی برابری جنسیتی در رویکردها و اهداف توسعه انسانی" به بررسی اثر شاخص‌های توسعه انسانی بر نگرش‌ها به برابری جنسیتی پرداخته است.

گلایی و حاجیلو (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان" به این نتیجه رسیده‌اند که از بین متغیرهای مختلف، بیشترین تأثیر مربوط به متغیر فعالیت فرد در انجمن‌ها و کمترین تأثیر مرتبط با تمایل والدین فرد به مشارکت، فعالیت و مشارکت سیاسی زنان را تحت‌الشعاع قرار داده است. پیروسی و شیرخانی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان "تجربه زیسته زنان از موانع و چالش‌های پیشروی نقش‌آفرینی در سیاست‌گذاری ایران"،

دریافته است موانع و چالشهای متعددی زنان در عرصه در سه محور کلان متن (موانع ساختاری نظیر چالش‌های مدنی/ حقوقی، خشونت نمادین، نحوه مشارکت، فقر نظری و عملی و تله فقر نهادی)، زیر متن: فردی (مختصات روانشناختی و ذائقه مردانه) و محور فرامتن: رفتاری (کلیشه‌های جنسیتی، مشاغل با برد محدود و قرائت مردانگی از زنان) ارزیابی می‌شود.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- نقش آفرینی اجتماعی

۳-۱-۱- تعریف اجتماع

اجتماع در لغت گرد آمدن، تجمع، اجماع، ائتلاف، انجمن شدن و ... معنا شده است (لغت‌نامه دهخدا)، که با نام باهم‌مستان نیز شناخته می‌شود (آشوری، ۱۳۹۲). طبق تعریف جامعه‌شناس آلمانی، فردیناند تونیس، اجتماع به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که دارای ارزشی‌هایی واحد هستند. این جامعه‌شناس آلمانی، این مفهوم را در برابر مفهوم جامعه به کار گرفت تا تفاوت آن دو را بنماید (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۳).

واژه «Communit» به معنای اجتماع از ریشه لاتین «Communis» به معنای مشارکت عامه گرفته شده است. در زبان فارسی، اصطلاح اجتماع از زبان عربی اخذ شده و به معانی جماعت، انبوهی، اشتراک، وفاق عمومی و شباهت زیستی گروهی از جانوران یا گیاهان یک منطقه جغرافیایی با شرایط مساوی به کار رفته است (آراسته‌خو، ۱۳۷۰).

از منظر جامعه‌شناسی، اجتماع به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که دارای پیوندهای قوی و بادوامی‌اند و نیز گاهی اوقات مکان جغرافیایی مشترکی دارند. همچنین اعضای آن در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت منظمی دارند. افراد این گروه، هویت‌یابی قوی با گروه دارند (شارع‌پور، ۱۳۸۹).

۳-۱-۲- اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری

اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری (Socialization): از نظر لغوی به معنای انطباق و آشناسازی با جامعه است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴۲). اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری مفهومی است که به توصیف و تبیین چگونگی رفتارهایی می‌پردازد که فرد را قادر به سازش با فرهنگ جامعه خویش می‌سازد.

به عبارتی جامعه‌پذیری "فرآیندی است که بر اساس آن، فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می‌یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند"

(دادستان، ۱۳۸۶: ۱۷۹). فرد طی روند اجتماعی شدن، به عنوان عضوی از جامعه با فراگیری شیوه‌های زندگی اجتماع خود، آمادگی و توان تطابق با سیستم جدید و انجام رفتارهای مطابق با انتظارات جامعه را پیدا می‌کند. در واقع، انسان در فرآیند جامعه‌پذیری از طریق رفتارهای متقابل افراد جامعه، تجربه‌های اجتماعی مختلف را می‌آموزد.

اصول اولیه اجتماعی شدن: هولینگ شید (Holling Shead) سه اصل اولیه در اجتماعی شدن هر فرد را این‌گونه بیان کرده است:

۱. فرد، رفتار اجتماعی را در ایجاد رابطه و تأثیرپذیری از دیگران در اجتماع یاد می‌گیرد.
۲. فرهنگی که فرد در آن متولد شده است و رشد می‌کند، تعیین می‌کند که او باید چه کاری فراگیرد و چه رفتاری از خود نشان دهد.

۳. تکامل فراگیری و آموزش‌پذیری فرد در جامعه، زمانی محقق می‌شود که به طور مؤثر در اجتماعی شدن و پذیرش نقش در گروه قادر به ایفای نقش خود باشد (یاووزار، ۱۳۸۲، ص ۴۰).

بنابراین فرد جامعه‌پذیر با پذیرش هنجارها، وظایف گروهی و راه‌های همکاری، رفتارهای گروه‌پسند پیدا می‌کند. جریان جامعه‌پذیری به دو شکل رسمی و غیررسمی صورت می‌گیرد. جامعه‌پذیری رسمی با آموزش آگاهانه از سوی خانواده و مدرسه و جامعه‌پذیری غیررسمی با سرمشق شدن غیرعمدی پدر و مادر و ... انجام می‌شود (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۴: ۱۵۹ و ۱۵۸). مانند کودکی که رعایت نظافت را با آموزش آگاهانه از سوی والدین خود، یاد می‌گیرد و یا داشتن اخلاق خوب و پیروی از آداب معاشرت را با الگوگیری غیررسمی از رفتار پدر و مادر می‌آموزد، این آموزه‌ها با تکرار آن حرکات و رفتارهای ویژه در ذهن او پایدار می‌مانند، که این پایداری رفتاری از جدیت، رغبت یادگیرنده، عادت‌های شغلی، همکاری، معلمان، شکل و محتوای ارائه شده از رسانه‌های گروهی بر فرد، تکرار، تقلید، پاداش، تنبیه، آزمایش و خطا در افراد تأثیر می‌گیرند.

نکته قابل تأمل این است که انسان‌ها در صورت درونی نشدن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در خود، آن را با رغبت و رضایت انجام نمی‌دهد و تنها با وجود ناظر به آنها می‌پردازد. بنابراین نقش خانواده و جامعه به‌ویژه رسانه‌های ارتباط جمعی در آگاه‌سازی و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در فرد از سال‌های نخست زندگی از ضرورت‌های بسیار مهم حیات هر شخص به حساب می‌آید.

۳-۱-۳- ضرورت زندگی اجتماعی

انسان‌ها از ابتدای آفرینش دریافتند که هوش، استعدادها و توانمندی‌های بالقوه درونی‌شان، در طی زندگی اجتماعی و ارتباط با هم‌نوعان خود شکوفا می‌شود. پس رشد و کمال و بلندی ابعاد وجودی انسان در فرآیند زندگی اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی میسر است. بنابراین انسان و سعادت او در مسیر زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد و این امر ضرورت حیات اجتماعی را روشن می‌سازد.

از دیدگاه جامعه‌شناسی نیز انسان موجودی اجتماعی است؛ یعنی آدمی فطرتاً در پی آن است که به هم‌نوعان خود بیوندد تا زندگی‌اش نظام یابد. به واقع انسان به تنهایی قادر نیست که مراحل زندگی سخت دنیایی بگذرد، از این رو ناگزیر از دیگران یاری می‌جوید. (شایان مهر، ۱۳۷۷؛ الحیدری، ۱۳۸۸).

مطابق علم روان‌شناسی نیز، مهم‌ترین بُعد شخصیت آدمی، بُعد اجتماعی او به‌شمار می‌آید. بنابراین جنبه اجتماعی هر فرد، اساس زندگی او را می‌سازد و یکی از نیازهای روانی انسان، داشتن ارتباط با سایرین است. ریچارد رایان و ادوارد دسی، سه عامل را برای آسایش انسان بیان کرده‌اند:

۱. ارضای نیاز پیوندجویی یا ارتباط (Relatedness).
۲. قابلیت یا نیاز به شایستگی (Competence): یعنی احساس تسلط درخوب انجام دادن کارها.
۳. خودمختاری (Autonomy): یعنی استقلال داشتن در انجام کارها (نورمحمدی، ۱۳۹۰).

پس زندگی اجتماعی جزء جدانشدنی زندگی هر انسان است، که تأمین نیازها، شکوفایی ابعاد وجودی و سعادت‌مندی او در گرو آن است. از سویی دیگر روحیه اجتماعی انسان، با احساس مسئولیت در برابر جامعه اطراف او، شناخت اوضاع و تأثیر بر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود، سبب بهسازی وضعیت اجتماعی خواهد شد.

۳-۱-۴- نقش آفرینی اجتماعی

انسان در طول زندگی طی روندی گسترده و پیچیده، با آموزش زبان، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه، رفتارهای مناسب با هنجارهای پذیرفته شده اجتماع خود را فرا می‌گیرد. ارتباط و تعامل افراد به صورت‌های مختلف (حضور، چهره به چهره، نوشته‌ای ..) موجب رشد، پرورش و تربیت خصلت‌های آنان می‌شود و فرد در طی فرآیند اجتماعی شدن آگاهی، تخصص و مهارت لازم برای ایفای نقش‌های اجتماعی را کسب می‌کند.

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، اجتماعی شدن فرایندی است که در طی آن فرد می‌آموزد، که چگونه از طریق درونی کردن ارزش‌های جامعه و یا از طریق آموختن نقش‌های اجتماعی، به عضویت آن جامعه درآید.

فرایند جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، نقش‌های اجتماعی و نگرش‌ها، انتظارات و گرایش‌های مربوط به آن نقش‌ها را به فرد می‌آموزد. یکی دیگر از هدف‌های جامعه‌پذیری، آموزش مهارت‌ها به افراد است تا با اکتساب و یادگیری این مهارت‌ها بتوانند در جامعه منشأ اثر واقع شوند و بنابر تخصص، مهارت و توانمندی‌های خود به نقش‌آفرینی اجتماعی مؤثری پردازند.

۳-۲- حقوق بین‌الملل و قواعد آن

حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد و مقرراتی حاکم بر جامعه بین‌الملل و قابل اجرا است. جامعه حقوق بین‌الملل اجتماعی است که بر اساس، همکاری و همبستگی مبتنی بر منابع مشترک و نیازهای متقابل کشورها بوجود آمده است.

ریشه لغوی حقوق بین‌الملل را باید در کلمه لاتین *jus gentium* یافت، که به مفهوم حقوق‌الملل نزدیک‌تر است و در حقوق روم در مقابل *jus civil* حقوق مدنی بکار می‌رفت و چیزی جز قوانین ملی امپراتوری روم در ارتباط با روابط آن کشور یا سایر کشورها و اتباع بیگانه نبوده است.

۳-۲-۱- تحلیل حقوق بین‌الملل از نظر تاریخی:

از حیث تاریخی در قرن ۱۷ گروسیوس، بنیانگذار حقوق بین‌الملل معاصر، برای اولین بار در کتاب خود به نام حقوق جنگ و صلح، قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل را بیان کرد و این اصطلاح را به جای اصطلاح حقوق بین‌الملل بکار برد.

بعد از گروسیوس، دانشمندان دیگر اصطلاحات مختلفی برای معرفی این رشته استفاده کردند. به اصطلاح حقوق بین دول از امانوئل کانت، حقوق نوع بشر از پاسکال فیور، حقوق عمومی اروپا مابلی و حقوق سیاسی خارجی از هگل، از جمله این اصطلاحات هستند. جرمی بنتام فیلسوف و حقوقدان انگلیسی، برای اولین بار در سال ۱۷۸۰، اصطلاح حقوق بین‌الملل را به صورت امروزی، در کتاب مقدمه‌ای به اصول اخلاق و قانون، به کار برد.

۳-۲-۲- تعریف حقوق بین‌الملل: مجموعه اصول و قواعدی است که دولت‌ها یعنی اعضای جامعه بین‌الملل خود را ملزم به رعایت آنها دانسته، باید در روابط با یکدیگر اجرا کنند. علاوه بر این حقوق بین‌الملل شامل قواعدی است که طرز تشکیل و وظایف سازمان‌های حقوق بین‌الملل و روابط این

سازمان‌ها را با یکدیگر و با دولت‌ها، و همچنین در بعضی موارد حقوق و تکالیف افراد را تعیین می‌کند.

قلمرو حقوق بین‌الملل دامنه شمول و حدود اجرای قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل را در جامعه حقوق بین‌الملل مشخص می‌کند. امروزه معمولاً حقوق بین‌الملل را به دو قلمرو عام و خاص طبقه‌بندی می‌نمایند.

۱-۲-۳- حقوق بین‌الملل عمومی: شامل قواعدی است که رعایت آن برای جامعه بین‌الملل عام قابل اجرا می‌باشد. این قواعد باید از سوی تمام یا اکثریت قابل توجهی از جمله کشورهای بزرگ، پذیرفته شود. در این صورت این قواعد حتی برای کشورهایی که رسماً آن را نپذیرفته‌اند و تعهد نکرده‌اند نیز الزام‌آور و تعهدآور می‌باشد. مانند عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو در زمینه حقوق جنگ.

۲-۲-۳- حقوق بین‌الملل خاص: شامل قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل است که رعایت آن فقط در جوامع خاص که در آنها حداقل دو کشور گرد هم آمده‌اند را الزامی می‌داند، از قبیل موافقت-نامه‌های همکاری، اقتصادی، بازرگانی، علمی و فرهنگی (مقالات نفت، گاز و پتروشیمی، ۱۳۹۵، ص ۱).

۴- همسانی حقوق افراد با قومیت، نژاد، زبان، و ... از دیدگاه جامعه جهانی و حقوق بین‌الملل

امروزه در اغلب کشورها، افرادی با ویژگی‌ها و خصایص قومی، نژادی، مذهبی یا زبانی متمایز با سایرین وجود دارند که در جوامع خود اقلیت محسوب می‌شوند (سلیمی و همکار، ۱۳۹۷: ۲۰۴).

موضوع اقلیت‌ها از نظر تاریخی احتمالاً به دوران باستان و تأسیس امپراتوری‌های بزرگ برمی‌گردد که تدریجاً جنبه ملی، نژادی و به‌ویژه دینی پیدا کرده است. اما حقوق بین‌الملل در اوایل قرن بیستم به این امر پرداخته است (ذوالعین، ۱۳۷۳: ص ۴۳۹). پس از وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم، در مرزهای برخی از کشورها، تغییرات عمده‌ای ایجاد شد و کشورهای جدیدی به عرصه بین‌الملل راه پیدا کردند. این موضوع منجر به اختلاط نژادی، مذهبی و زبانی ملت‌ها و سکونت اقلیت‌ها در این قبیل کشورها گردید. با پدید آمدن جامعه بین‌الملل، طرح پرداختن بخشی از معاهدات جامعه ملل به موقعیت اقلیت‌ها، پیشنهاد شد. اما با وجود کنار گذاشتن این طرح به علت مخالفت برخی از دولت‌ها، حقوق و امتیازاتی برای آنان مد نظر قرار گرفت (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۹ و ذوالعین، ۱۳۷۳).

اعلامیه ۴۵ سطری کوروش کبیر که فرمان حک شده‌ی وی بعد از فتح بابل، بر کتیبه‌ای استوانه‌ای، ۵۳۸

سال قبل از میلاد، حاکی از پیشینه کهن این موضوع می‌باشد. (ذوالعین، ۱۳۷۳، ص ۴۳۹). اقلیت‌ها قاعدتاً از لحاظ تعداد، از سایر اقشار جمعیت حاکم، کمتر هستند. گروه حاکم کم تعداد از لحاظ جمعیت، طبعاً مصداق اقلیتی که باید مورد حمایت قرار گیرد، نخواهد بود. گروه اقلیت، قدرت حکومت را در دست ندارد. این گروه از لحاظ قومی، نژادی، زبانی یا مذهبی با دیگران متفاوت هستند، اما اتباع کشور محسوب می‌شوند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱). اینان نباید به سبب تمایز از سایر اعضای جامعه به دلایل تفاوت‌شان، مورد تبعیض، تحقیر و ستم قرار گیرند. فرانسیسکو کاپوتورتی در این باره می‌گوید: "اقلیت گروهی است که در حاکمیت شرکت نداشته، از نظر تعداد نیز کمتر از بقیه است و اعضای آن در حالی که تبعه آن کشور هستند، با سایر جمعیت کشور، ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی دارند و در راستای حفظ فرهنگ، آداب و رسوم یا زبان خود، دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی هستند." (سیف‌الدینی، ۱۳۹۳: ۱).

البته از لحاظ تاریخی، اقلیت‌های مذهبی عامل اصلی نهادینه شدن چارچوب بین‌المللی حقوق اقلیت-ها بودند که مدتها از حمایت از آنان جلوگیری می‌شد (Ghanea, 2012: 57). قوانین بین‌المللی بهترین ضامن رفتار با اقلیت‌های مذهبی است تا نیازهای گوناگون همه اقلیت‌های دینی تأمین شود.

اقلیت‌های قومی نیز به عنوان یک جمعیت انسانی مشخص با پیشینه اجدادی مشترک، خاطرات و عناصر فرهنگی مشترک، با سرزمین تاریخی یا وطن خود پیوند و نسبت به آن حس مسئولیت دارند (دستی، ۱۳۹۰: ۱۴۹). تفاوت میان اقلیت‌های قومی و نژادی چندان واضح نیست. برخی، اقلیت‌های نژادی را به تجمع افراد با ویژگی‌های جسمی مرتبط با ژنتیک محدود می‌دانند. اما اقلیت‌های قومی، معرف ویژگی‌های نژادی است که با پیوندهای قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی مرتبط و مشخص شده‌اند (آلبوغیش، ۱۳۸۶: ۲۳).

اقلیت‌ها همواره از مسائل مهم جامعه بین‌الملل و قومیت، نژاد، زبان و مذهب از دغدغه‌های خاص در مباحث حقوق بشر بوده‌اند. وقایع تاریخی گویای ضرورت حمایت از آنان برای تأمین ثبات، صلح و امنیت جهانی و بین‌المللی می‌باشد، به طوری که اعمال تبعیض نسبت به افراد این گروه‌ها، ثبات داخلی و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را با خطر و مشکلات جدی و جبران‌ناپذیری مواجه نموده است (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

بنابراین می‌توان به عنوان یک قاعده عام چنین بیان کرد که ثبات و امنیت کشورها با حمایت از حقوق اقلیت‌ها بهتر حفظ می‌شود و با رعایت حقوق آنها از سوی دولت‌ها، توقع می‌رود که این گروه‌ها نیز پابندی خود را جهت حفظ تمامیت ارضی کشور، به دولت نشان دهند، چراکه ثبات و رفاه عمومی کشور به نفع همه افراد خواهد بود (ابراهیمیان، ۱۳۹۱: ۲۴۴). تمام افراد جامعه چه اقلیت و چه اکثریت، باید از حقوق شهروندی یکسان برخوردار باشند و بدون هیچ‌گونه تبعیض و ترجیحی در جامعه، به زندگی و فعالیت بپردازند. به عبارتی قدرت حاکم باید این حقوق را در مورد یکایک آحاد مردم جامعه، از هر نژاد، قومیت، ملیت، رنگ پوست، جنسیت و مذهب که باشند، به رسمیت بشناسد و به‌طور یکسان، به‌دور از تبعیض، به تمام آنها اجازه فعالیت و مشارکت اجتماعی بدهد.

۵- اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها

حقوق بشر، ظهور بارز کرامت انسانی و با آن عجین است و دولت‌ها بنابر، این ارزش و کرامتی که منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام نموده‌اند، متعهد به رعایت آن می‌باشند و این الزام در رعایت حقوق بشر به عنوان تکلیفی از یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل، به تمامی دولت‌ها باز می‌گردد.

۵-۱- منشور ملل متحد و اصل عدم تبعیض ۱۹۴۵:

پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس و استقرار سازمان ملل متحد به جای جامعه ملل، منشور ملل متحد ۱۹۴۵ به‌عنوان مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها بنیان نظام حمایت از اقلیت‌ها را بر اصل "عدم تبعیض" قرار داد. اما به نظر برخی، عدم تصریح حقوق اقلیت‌ها در منشور، تا حدودی حمایت از اقلیت‌ها را تضعیف کرده، مانع رفع نیازهای اساسی آنان و حفظ منافع‌شان از طریق قاعده "عدم تبعیض" شده است. به عبارتی سازمان ملل تنها با اکتفا به بیان اصل "عدم تبعیض" بدون برآورده کردن انتظارات این اقلیت‌ها، عمل به تعهدات قبلی مربوط به اقلیت‌ها را نیز رها نمود (ترنبری، ۱۳۷۹، ص ۴۴).

مطابق بند سوم ماده اول و بند (ج) ماده ۵۵ منشور ملل متحد، تمامی دول عضو سازمان ملل، ملزم به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین هستند و اقلیت‌های موجود در این دولت‌ها بر اساس اصل عدم تبعیض و برابری افراد بشر با یکدیگر، تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار دارند (همان).

با تأسیس سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد تنها دو ماده بسیار کلی را به بحث اقلیت‌ها اختصاص داد.

پس از منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر از مهم‌ترین اسناد حقوق بشری محسوب می‌گردد، ولی تنها از اقلیت‌های قومی و نژادی حمایت می‌کند و درباره اقلیت‌های مذهبی و دینی ساکت است (امیرارجمند، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸-۱۳۵).

با وجود طرح سه اصل آزادی، برابری و برادری اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در ماده اول خود، (صفایی، ۱۳۷۰: ۴)، توجه کافی به حقوق اقلیت‌ها صورت نگرفت (میرمحمدی، ۱۳۸۵).

کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (ژنوسید) در سال ۱۹۴۸ به عنوان اولین کنوانسیون الزام‌آور مرتبط با حقوق اقلیت‌ها در راستای حمایت از اقلیت‌ها تدوین شده است.

معاهده بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی (۱۹۶۶) نیز در ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: "کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض، استحقاق حمایت بالسویه را دارند. قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص، حمایت مؤثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض به‌خصوص از نظر نژاد، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشاء اصلی یا اجتماعی، مکتب، نسبت یا هر وضعیت دیگر تضمین کند." (میرمحمدی، ۱۳۸۵).

اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی (۱۹۹۲) به عنوان مهم‌ترین قدم در شناسایی حقوق اقلیت‌ها و حق هویت آنان، نظام حمایت از اقلیت‌ها را گسترش می‌دهد (همان).

بند اول ماده "۱" این اعلامیه مجمع عمومی، که حمایت از موجودیت و هویت اقلیت‌های ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی را از وظایف دولت‌ها می‌داند که باید شرایط و وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هویت آنها را مهیا کنند (علی‌مردانی، ۱۳۸۵: ۱۲). این گونه، اعضای اقلیت‌ها می‌توانند از امکانات لازم برای رشد و ارتقاء خود و سازگاری با جامعه در حال تحول برخوردار باشند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶).

کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز در ماده ۳۰، با توجه به کودکان اقلیت‌های قومی و مذهبی اعلام می‌کند این اشخاص باید حق برخورداری از فرهنگ، تعلیم، اعمال مذهبی و زبان خود را داشته باشند (پورقهرمانی، ۱۳۸۳).

۲-۵- حق مصونیت از تبعیض و برابری افراد جامعه

حق برابری و مساوات افراد کشور، ابتدایی‌ترین حق انسان‌ها و جلوه‌ای از کرامت انسانی آنهاست. اقلیت‌ها نیز همانند سایر مردم، دارای تابعیت کشور خود بوده، هموطن آنان به حساب می‌آیند و نباید این حق از آنان سلب شود.

برابری به عنوان یک مفهوم حقوق بشری، بدین معنی است که ویژگی‌های خاص و غیرموجه همچون نژاد، جنسیت، قومیت، مذهب، زبان و ... در رفتارهای حقوقی با شهروندان دخالت داده شود.

بر اساس کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، دولت‌های عضو باید تبعیض نژادی را در همه اشکالش ممنوع و ملغی اعلام کنند و حق هر کس به برابری در پیشگاه قانون، بدون تفاوت از نظر نژاد، رنگ پوست، ملیت و قومیت تضمین شود (زمانی و آزاددوین، ۱۳۹۶: ص ۲۲ و ۲۳). این کنوانسیون، کوششی برای محکومیت تبعیض نژادی با هدف در پیش گرفتن تدابیر ملی در جهت پیشرفت گروه‌های نژادی و قومی است.

این حق در معاهده جامعه ملل تنها برای اقلیت‌های مذهبی در نظر گرفته شده بود، اما منشور ملل متحد در بند ۳ ماده یک (عملی ساختن همکاری‌های بین‌المللی با حل مسائل بین‌المللی که جنبه اقتصادی یا اجتماعی یا فرهنگی یا انسان‌دوستی دارند و با توسعه و تشویق احترام حقوق انسانی و آزادی‌هایی که برای عموم اساسی می‌باشند، بدون تمایز بین نژاد و جنس و زبان یا مذهب) و بند ج ماده ۵۵ (احترام جهانی و حقیقی حقوق بشر و آزادی‌هایی که برای همه کس اساسی است بدون تفاوت نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب)، این حقوق را برای همه اقلیت‌های نژادی، زبانی و جنسیتی نیز معتبر می‌شناسد (لسانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶).

مطابق بند ۳ ماده یک و بند ج ماده ۵۵ که در بالا توضیح داده شد، کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، متعهد به "رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه افراد، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین" خواهند بود و اقلیت‌های موجود در سرزمین دولت-های عضو، در پرتو اصل عدم تبعیض و برابری افراد بشر با یکدیگر، تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار دارند.

بند ۹ اصل سوم، نیز از "رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی" سخن می‌گوید. اولین نماد محکومیت تبعیض از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر، در صدر اعلامیه و در ماده ۱ آن بیان شده است: "تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از

لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند." ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، که اعمال تبعیض تحت هر عنوانی را ممنوع می‌خواند، آمده است که: "انتفاع از حقوق و آزادی‌های مقرر در معاهده جاری، باید بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، بینش سیاسی یا هرگونه عقیده دیگر، اصالت ملی یا اجتماعی، تعلق به گروه اقلیت، اقبال، تولد یا هرگونه موقعیت دیگری تضمین شود." (آریامنش، ۱۳۹۰: ۸۹، ۹۰، ۹۱).

در مقدمه اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی، بر "احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض براساس نژاد، جنس، زبان یا مذهب و برابری حقوق مردان و زنان و ملت‌ها، اعم از بزرگ و کوچک" تأکید مجدد شده است، براساس بند اول ماده ۴ این اعلامیه، "دولت‌ها موظفند اقدامات لازم را در راستای تأمین کامل و مؤثر تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اشخاص متعلق به اقلیت‌ها، بدون تبعیض و در شرایط کاملاً مساوی در برابر قانون اتخاذ کنند." (میرمحمدی، ۱۳۸۵).

در ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی (۱۹۹۵) نیز آمده، این افراد در برابر قانون با بقیه برابر هستند و به نحو برابر باید از آنها حمایت شود و این برابری باید در کلیه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود باشد (لسانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷).

در ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۸۹ آمده، دولت‌ها مکلفند امکانات لازم برای ارتباط بین اقلیت‌های فراسوی مرزها را فراهم آورند تا بتوانند در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی با یکدیگر همکاری داشته باشند (لسانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸، ۱۳۹).

۶- حق مشارکت و نقش‌آفرینی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افراد مطابق حقوق بین-

الملل

از منظر حقوق بشر، انسان‌ها به صرف داشتن سرشت و حیثیت یکسان، برابر در نظر گرفته می‌شوند. شرایط برابر هم وضعیتی است که در آن شهروندان توقع دارند با آنها، برابر برخورد شود. مثلاً در سن ۱۸ سالگی و داشتن سایر شرایط قانونی مرتبط با حق رأی، می‌بایست از حق برابر شرکت در انتخابات برخوردار باشند.

شرکت در انتخابات و رأی دادن به‌منظور تعیین سرنوشت سیاسی، نمونه بارز آزادی شهروندان برای استفاده از حق فردی و سیاسی آنها به‌شمار می‌آید. مشارکت مؤثر اقلیت‌ها در تصمیمات تأثیرگذار زندگی آنها، برای تحقق حقوقشان، اساسی است و کشورها باید به‌طور قطعی، اقلیت‌ها را در طراحی

و اجرای قوانین و سیاست‌هایی که بر جوامع آنها مؤثر است، مشارکت دهند (سلیمی و همکار، ۲۱۱:۱۳۹۷).

در بند ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد شرکت اقلیت‌ها در مسائل مهم، آمده است که، اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم است که باید توسط انتخابات عمومی با صداقت و رعایت مساوات، به صورت ادواری با رأی مخفی یا شیوه‌های نظیر آن انجام شود. طبق بند ۵ ماده ۴ اعلامیه حقوق اقلیت‌ها نیز، دولت‌های عضو موظف به اتخاذ تدابیری هستند که اقلیت‌های ساکن در قلمرو کشور آنها، امکان مشارکت در پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور را داشته باشند (آریامنش، ۸۷:۱۳۹۰).

مطابق بند ۳ ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی، آنان می‌توانند در سطح ملی یا مناطقی سکونت خود، به شرط همخوانی با قانون‌گذاری ملی به طور مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند (میرمحمدی، ۱۳۸۵).

در بند ۳ ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۹ نیز آمده است که بومیان باید در قانون‌گذاری و انتخابات مقامات محلی خود مشارکت داشته باشند. در بند ۱ ماده ۶ همین کنوانسیون نیز یکی از وظایف دولت‌ها، مشاوره با بومیان به‌ویژه از طریق نمایندگان‌شان در هر موردی است که قانون-گذاری یا انجام امر اداری خاص، آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بند ۱ ماده ۷ نیز بومیان را برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مؤثر در زندگی، عقیده، سنت‌ها، سرزمین تحت حاکمیت یا توسعه اقتصادی، اجتماعی و ... آنان، دارای اولویت می‌داند.

در ماده ۲۰ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی حمایت از گروه‌ها و اقلیت‌های نژادی و ملی ۱۹۸۸ اعلام شده: اگر درصد خاصی از سکنه یک حوزه قضایی یا اداری، به یک گروه ملی یا نژادی خاص تعلق داشته باشد، این درصد طبق توافقات دولت با نمایندگان اقلیت‌ها، تعیین خواهد شد. مقامات دولتی در واگذاری پست‌های دولتی باید معیارهای نژادی را مد نظر داشته، از افراد اقلیت برای اداره منطقه استفاده کنند (لسانی، ۱۴۰:۱۳۸۲).

بر اساس اهمیت حقوق اقلیت‌ها از جهت مشارکت سیاسی آنان، مدیران ارشد استان‌های دارای اقلیت قومی یا زبانی از جمله استانداران و فرمانداران، ترجیحاً و در صورت امکان، باید از بین خود آنان انتخاب شوند (آریامنش، ۸۸:۱۳۹۰).

ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صراحتاً حق مشارکت در

حیات فرهنگی را اعلام می‌کند (نادرپور و مقصودی، ۲۹:۹۲۱). بنابراین اقلیت‌ها باید امکان مشارکت در امور فرهنگی را نیز داشته باشند.

اقلیت‌ها از حق داشتن احزاب و انجمن‌ها برخوردارند. ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۲ میثاق مدنی-سیاسی و بند ۴ ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی، برای تمام افراد حق تجمع و تشکل را بدون هیچ‌گونه تبعیضی به رسمیت شناخته‌اند، که در ذیل آنها را بیان می‌کنیم:

ماده ۲۰ اعلامیه جهانی بیان می‌دارد: "هرکس حق آزادی تجمع و ایجاد تشکل مسالمت‌آمیز را دارد." ماده ۲۲ میثاق مدنی-سیاسی نیز با تغییری جزئی نسبت به اعلامیه مذکور، اعلام می‌دارد: "هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران از جمله حق تشکیل سندیکا و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود را دارد" (بهشتی‌زاده و همکاران، ۱۰:۱۳۹۷).

براساس بند چهارم ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی، گروه‌های اقلیت حق تشکیل و حفظ انجمن‌های خاص خود را دارند (میرمحمدی، ۱۳۸۵). فعالیت این انجمن‌ها طبق اعلامیه ۱۹۹۲، یعنی حفظ حقوق اقلیت‌ها از طریق فراهم کردن شرکت مستقیم آنها در جامعه و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آنان است (محبی و طالب نجف‌آبادی، ۱۳۹۷:۱۳۵).

آزادی تشکیل سندیکا نیز، از جمله موارد حقوق بشر است که به‌عنوان یک حق جهانی به رسمیت شناخته شده است. آزادی تشکیل سندیکا یعنی افراد شاغل در یک حرفه، بدون دخالت و محدودیت‌های وارده از سوی دولت، بتوانند با اراده خود سندیکا تشکیل دهند.

در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق آزادی شغل و دریافت مزد یکسان در مقابل کار مساوی برای همه و حق تشکیل اتحادیه و سندیکا برای دفاع از منافع خود تأکید شده است (زمانی و آزاددوبین، ۱۵:۱۳۹۶).

۷- همسانی نقش‌آفرینی اجتماعی، حق کار و اشتغال افراد در جامعه جهانی بر اساس حقوق بین-

الملل

حق کار و اشتغال از ضروریات زندگی هر انسانی‌ست، فارغ از ملیت، نوع رنگ، جنس، نژاد یا منشاء اجتماعی. در ارتباط با حق کار، ماده ۶ معاهده بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی اعلام می‌کند:

الف) دولت‌های پایبند به این میثاق، حق کار افراد یعنی حق کسب معاش از طریق انتخاب یا پذیرش آزادانه کار را به رسمیت شناخته، اقدامات مقتضی برای حفظ این حق را انجام می‌دهد.

ب) اقدامات دولت‌های طرف این معاهده، برای تحقق کامل این حق، برنامه‌های راهنمایی، تربیت فنی و حرفه‌ای، خط مشی‌ها و فنون دستیابی به توسعه مداوم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اشتغال کامل مولد را، مشروط بر حفظ آزادی‌های بنیادی، سیاسی و اقتصادی افراد در برمی‌گیرد.

مفادی که از ماده ۶ این میثاق، برای حق کار استنباط می‌شود، عبارتست از:

۱- دسترسی به اشتغال: کمیته از دولت‌های عضو، توقع دنبال کردن سیاستی را دارد که هدف آن تضمین کار برای همه افراد آماده و جویای کار اعم از زنان و مردان یا گروه‌های قومی، نژادی و ... باشد. در این راستا، کمیته از دولت‌ها خواهان ارائه اطلاعات در زمینه سطح بیکاری دسته‌های مختلف کارگران می‌باشد، که در زمینه شناسایی افراد، گروه‌ها و مناطق با گروه‌های آسیب‌پذیر یا محروم از نظر شغلی، متعهد باشند.

۲- فرصت کسب معاش: در ماده ۶ این میثاق، فرصت کسب معاش از طریق کار با حق برخورداری از شرایط مناسب، خصوصاً با حق بهره‌مندی از دستمزد عادلانه مندرج در بند الف ماده ۷، بسیار مرتبط است.

۳- دسترسی برابر به اشتغال: مطابق دستورالعمل‌های کمیته می‌بایست در جامعه برابری فرصت‌ها و رفتار برای همه افراد و گروه‌های اقلیت زبانی، مذهبی و قومی فراهم شود. بدیهی است هرگونه محدودیت منجر به آسیب نامعقول به فرصت‌های اشتغال اعضای یک گروه خاص در جامعه، مغایر مقررات میثاق خواهد بود.

۴- آموزش فنی و حرفه‌ای: طبق ماده ۶ برای تحقق کامل حق کار، باید برنامه‌هایی شامل راهنمایی و آموزش فنی و حرفه‌ای ایجاد شود که هدف نهایی یعنی فرصت بهره‌مندی هر فرد از این راهنمایی‌ها و آموزش‌های مناسب برای افزایش ظرفیت فردی خود و فرصت‌های موردنظر در اشتغال فراهم شود. لازم به ذکر است که این خدمات باید رایگان و حتی در موارد مقتضی همراه با کمک مالی باشد.

۵. انتخاب آزاد شغل: مطابق ماده ۶ حق بر کار شامل فرصت کسب معاش از طریق پذیرش یا انتخاب آزادانه کار است، در عین حال که اعضای کمیته بر ضرورت انتخاب آزاد اشتغال تأکید نموده‌اند (دانای طوس، ۱۳۹۰: ۹۴، ۹۵).

۸- نتیجه‌گیری

همه انسان‌ها به عنوان آفریدگان خدا، با وجود خصوصیات مختلفی همچون رنگ پوست، نژاد، قومیت، ملیت، جنسیت و مذهب، برابر بوده، هیچ‌گونه برتری و ارجحیتی نسبت به یکدیگر ندارند، چراکه خداوند به مخلوقات بشری خود استعداد و توانمندی‌های فطری مختلفی عطا فرموده است که به فراخور تلاش برای شکوفایی و به ظهور رساندن آنها و کسب مهارت‌ها و تخصص‌ها، قدرت و توانایی خود را نمایان می‌سازند. آدمی فطرتاً اجتماعی آفریده شده است و گذران زندگی او بدون حیات جمعی امکان‌پذیر نمی‌باشد، هر انسانی بر مبنای توانمندی، تخصص و تلاش‌گری خود، جدای از خصوصیات فوق که گاهی باعث در اقلیت قرار گرفتن افراد می‌شود، می‌تواند در زندگی شخصی خود و جامعه‌اش منشأ اثر باشد و در شاخه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به نقش‌آفرینی بپردازد. حقوق شهروندی نیز شامل تمام افراد اعم از اکثریت و اقلیت جامعه می‌گردد و قدرت حاکم باید این حقوق را در مورد یکایک افراد جامعه، از هر نژاد، قومیت، ملیت، رنگ پوست، جنسیت و مذهب که باشند، به رسمیت بشناسد و به‌طور یکسان، به‌دور از تبعیض، به تمام آحاد مردم اجازه فعالیت و مشارکت اجتماعی بدهد. بر همین اساس، در جامعه بین‌الملل نیز اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر همواره بر ضرورت حقوق یکسان افراد تأکید داشته‌اند. اصل برابری مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، نمایان‌گر اهمیت رفع تبعیض از جامعه انسانی و تأکید بر دستیابی به حقوق انسانی آنان، صرف‌نظر از تفاوت‌های قومی، نژادی، جنسیتی، مذهبی و زبانی، بر اساس عزت، آزادی، برابری و حق مشارکت در تعیین سرنوشت می‌باشد.

در اسناد حقوق بشر، اقلیت‌های مختلف، دارای حقوقی برابر با سایر افراد هستند و اصل آزادی در آموزه‌ها و باورهای حقوق بشری به آنها اجازه فعالیت در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را می‌دهد. از جمله حقوق مشترک میان اقلیت‌های قومی، نژادی، جنسیتی و مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق موجودیت، حق حفظ هویت، حق مصونیت از تبعیض، برابری با اکثریت، حق برقراری ارتباط با سایر اقلیت‌ها، حق تعیین سرنوشت، حق مشارکت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، داشتن احزاب و انجمن‌ها، تشکیل سندیکا، حق اشتغال و حق برخورداری از تأمین اجتماعی می‌باشد. بنابراین تمام انسان‌ها با هر خصوصیت یا ویژگی، حق مشارکت و نقش‌آفرینی در اجتماع خود را دارند و قومیت، ملیت، نژاد، رنگ پوست، جنسیت و

مذهب نباید موجب تبعیض و مانع برخورداری آنها از حقوق اجتماعی و فعالیت‌های کاری و مورد علاقه آنها شود، بلکه طبق حقوق بین‌الملل همسانی تمام آحاد جامعه در مشارکت اجتماعی باید رعایت شود.

منابع و مأخذ

الف-کتاب‌ها:

- آراسته‌خو، محمد (۱۳۷۰)، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، تهران، گستره، ۱۳۷۰، چاپ دوم، ص ۷۴.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم انسانی، ویراست ۳، نشر مرکز، ص ۷۸.
- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۱)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ج ۱.
- ترنبری، پاتریک (۱۳۷۹)، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه آزیتا شمشادی و علی‌اکبر آقایی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران (۱۳۸۷)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران، فرهنگ معاصر.
- الحیدری، محمد (۱۳۸۸)، آیین دوست‌یابی در اسلام، مترجم: سیدمحمدصادق عارف، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ص ۵.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی شهری، تهران، سمت، چاپ دوم، ص ۱۱.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، ناشر: سازمان انتشارات کیهان، کتاب سوم، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.
- شمس اسفندآباد، حسن (۱۳۸۴)، روانشناسی تفاوت‌های فردی، انتشارات سمت، تهران، صفحه ۱۵۹ و ۱۵۸.
- طیبی، محمد شریف (بی‌تا)، منطق آزادی و برابری با توجه به اسناد حقوق بشری، (ماستر حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد دانشگاه و کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر).
- ضیایی بیگدلی، محمد‌رضا (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، تهران، چاپ بیست و دوم.

- نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۹۰)، مهارت‌های زندگی اجتماعی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، چاپ دوم.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، امنیت و تعاملات اجتماعی، تهران: گزارش پژوهشی؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یاووزار، هالوگ (۱۳۸۲)، ناسازگاری و بزهکاری در کودکان، مترجم: دکتر قدیر گلکاران، چاپ اول ۱۳۸۲.
- ب- مقالات:
- آریامنش، بشیر (۱۳۹۰)، حقوق اقلیت‌ها از منظر قانون اساسی و موازین بین‌المللی، تعالی حقوق، مهر، شماره ۱۳ و ۴۱.
- آپاروسان خوزه جیل (۱۳۷۹)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر، مترجم: دکتر ابراهیم بیگ‌زاده، مجله تحقیقاتی حقوقی، شماره ۲۹-۳۰، صفحات ۲۵۳ تا ۳۰۸.
- ابراهیمیان، حجت‌الله (۱۳۹۱)، حقوق خاص اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران با تأکید بر قانون اساسی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان.
- احمدی، یعقوب و سهراب‌زاده، مهران و عشایری، طها (۱۳۹۳)، تحلیل جامعه‌شناختی برابری جنسیتی در رویکردها و اهداف توسعه انسانی، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۸، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۱۵۵-۱۷۶.
- بهشتی‌زاده، یاسر (۱۳۹۷)، حمایت متقابل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از اقلیت‌های قومی، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱، بهار.
- پورقهرمانی گلنپه، بابک (۱۳۸۳)، نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک، رواق اندیشه، شماره ۸۲.
- پیروسی، معصومه و شیرخانی، علی (۱۳۹۸)، تجربه زیسته زنان از موانع و چالش‌های پیشروی نقش‌آفرینی در سیاستگذاری ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۲۸۱-۳۰۴.
- دادستان، پریرخ (۱۳۸۶)، جایگاه نظریه‌های تحولی در پیشگیری اختلال‌های روانی، مجله روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، دوره ۳، شماره ۱۲، صفحه ۲۸۴ تا ۲۸۶.
- دشتی، تقی (۱۳۹۰)، مفهوم‌شناسی قومیت و اقلیت قومی به‌عنوان عنصری از جامعه سیاسی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شماره

نهم، زمستان.

- ذوالعین، نادر (۱۳۷۳)، حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۵، پاییز ۷۳ تا تابستان ۷۴. ص ۴۳۹.
- زارعی، بهادر و همکاران (۱۳۹۲)، حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی ج.ا. ایران، نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، بهار ۱۳۹۲، دوره ۳، شماره ۱، صفحه ۴۹ تا ۷۰.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۴)، حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر، نشریه حقوق و سیاست، دوره ۷، شماره ۱۶-۱۵ (ویژه حقوق)، صفحه ۱۴۵ تا ۱۸۶.
- زمانی، سید قاسم و آزاد-دوین، علی (۱۳۹۶)، مفهوم و جایگاه حق تأمین اجتماعی در اسناد بین‌المللی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، صفحات ۷ تا ۴۰.
- سلیمی ترکمانی، حجت و جلیلی-حاضر وظیفه قره-باغ (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی جایگاه حقوق اقلیت‌ها در منشور شهروندی ایران و اعلامیه حقوق اقلیت‌های سازمان ملل متحد، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱، صفحه ۲۰۳ تا ۲۳۰.
- سیف‌الدینی، سالار (۱۳۹۳)، دستبازی ویژه اقوام ایرانی و اقلیت‌های دینی، چالش‌ها و فرصت‌ها، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، شماره ۲۰، شماره مسلسل ۴۴۰۰۰۲۵، ۲۰ شهریور.
- شمسی، احمدرضا (۱۳۹۰)، تعهدات حقوقی بین‌المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۱، صفحه ۱۴۷-۱۷۰.
- صداقت، سعید و زهرا، زاهد (۱۳۹۴)، نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتابهای درسی دوره ابتدایی، نشریه فرزانه: ویژه مطالعات و تحقیقات مسائل زنان، شماره ۵.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۷۰)، حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۷، صفحه ۱ تا ۱۶.
- عزیزی، ستار (۱۳۸۶)، حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتکبان ژنوسید در رویه قضایی بین‌المللی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان.
- فضائلی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۶)، حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام

بين المللي حقوق بشر، فصلنامه پژوهش تطبيقي حقوق اسلام و غرب، دوره ۴، شماره ۱، پيايي ۱۱.

- گلابي، فاطمه و حاجيلو، فريبا (۱۳۹۱)، بررسي جامعه شناسي برخي عوامل موثر بر ميزان مشارکت سياسي زنان، مجله مطالعات و تحقيقات اجتماعي سال اول، شماره ۱.

- لساني، حسام الدين (۱۳۸۲)، جاياگاه اقليت ها در حقوق بين المللي بشر، اندیشه هاي حقوقی، سال اول، شماره ۳.

- محبي، داود و طالب نجف آبادي، اعظم (۱۳۹۷)، حق نمايندگي اقليت ها در اسناد بين المللي و حقوق اساسي جمهوري اسلامي ايران، پژوهش تطبيقي اسلام و غرب، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان.

- ميرمحمدي، سيدمصطفي (۱۳۸۵)، حقوق بين الملل و حقوق اقليت ها، اندیشه تقريبي، شماره ۹.

- نادرپور، بابک؛ مقصودي، مجتبي (۱۳۹۲)، هويت ها، تفاوت ها و جهانشمولي حقوق بشر (با تأکيد بر هويت هاي ديني و قومي ايران)، حقوق بشر، سال هشتم، شماره ۱ و ۲ (پيايي ۱۵ و ۱۶)، بهار تا تابستان.

- نوري، ولي اله (۱۳۹۰)، تحول مفهوم حقوق و مسئوليت هاي اشخاص حقيقي در حقوق بين الملل در پرتو نظام بين المللي حقوق بشر، نشريه دانشکده حقوق، دانشگاه شهيد بهشتي.

- نويدنيا، منيره (۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، مقاله علمی- پژوهشی، بهار، دوره ۶، شماره ۱۹ - شماره پيايي ۱۹ صفحه، ۷۸-۵۵.

- نيکروش رستمی، مليحه (۱۳۹۹)، حقوق اقليت هاي قومي - مذهبي در اسناد بين المللي حقوق بشر پژوهشنامه حقوق بشری، سال پنجم، بهار ۱۳۹۹ شماره ۴ (پيايي ۱۹).

ج- پايان نامه:

- آبوغبيش، حبيب (۱۳۸۶)، حقوق بازتاب دهنده هويت اقليت هاي قومي در اسناد بين المللي حقوق بشر، پايان نامه کارشناسي ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

- حجتی، مريم (۱۳۹۱)، مباني حقوقی و حمايت بين المللي از اقليت هاي مذهبي، پايان نامه کارشناسي ارشد، دانشگاه شيراز واحد بين الملل.

- دانای طوس، عذرا (۱۳۹۰)، بررسي حقوق اقليت هاي قومي در نظام بين المللي حقوق

بشر و چگونگی اعمال آن در قوانین موضوعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

دسایت‌های اینترنتی:

-دانا، نسرین (۱۳۸۸)، اجتماعی‌شدن و تأثیر آن بر زندگی فرد، سایت روزنامه همشهری، چهارشنبه ۳۰ دی ۱۳۸۸.

- علی‌مردانی (۱۳۸۵)، حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سایت مگ- ایران، روزنامه قدس، یک‌شنبه ۹ مهر ۱۳۸۵، شماره ۵۳۹۰.

- ویکی‌پدیا، (۱۳۹۳).

-مقالات نفت، گاز و پتروشیمی (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل و قواعد آن ۱۳۹۵/۱۰/۵: سایت

<https://mpci.asia>

Reference

Book:-

McKinsey, O. (2018). The penguin Dictionary of Sociology , United - states of America: Penguin Books

-Article:

(- Ghanea, Nazila, ۲۰۱۲, “Are Religious Minorities Really Minorities?”, Issue ۱ Oxford Journal of Law and Religion, Volume

-Kassa, S. (2015). Challenges and opportunities of women political participation in Ethiopia. Journal of Global economics, 3(4), 1-7.

Kelly, L. (2019). Barriers and enablers for women’s participation in - governance in Nigeria, university of Manchester, 24 may 2019.